بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[مفاهیم 2](#_Toc428460057)

[مرور گذشته 2](#_Toc428460058)

[تقسیم‌بندی دیگر در ملازمه 3](#_Toc428460059)

[جمع‌بندی 3](#_Toc428460060)

# مفاهیم

# مرور گذشته

بحث ما در مورد مفاهیم است. قبل از اینکه وارد مفاهیم بشویم، مقدماتی را عرض کردیم. یک مقدمه این بود که مفهوم چه نوع دلالتی است. برای تعیین این بحث مروری در باب انواع دلالت کردیم.

دلالت بر دو قسم لفظی و عقلی است. مبنای آن نیز نوع پیوند بین دال و مدلول است.

دلالت لفظی تقسیم می‌شود به التزامی و متضمنی. برای این امر ملازمه و تضمین را معنا می‌کنیم. در باب لزوم گفتیم، ملازمه بین دو مفهوم گاهی تکوینی و عقلی است و گاهی عرفی و عقلایی است. گاهی تلازم عقلی دارند، گاهی تلازم عرفی و عقلایی است مثل چتر و باران، گاهی تلازم یک لزوم روان‌شناختی است. گاهی لزوم به خاطر مصاحبت این دو با هم است. مثل قلم و دوات که به خاطر نظام نویسندگی سابق همیشه یک‌چیز جدا نبودند. مطلب بعد این بود که ملازمه لزوم به هر یک از انواع قبلی (عقلی و غیر عقلی) باشد، به لحاظ وضوح،سه درجه دارد:

1. شفافیت زیادی دارد. (بین به معنای خاص) این پیوند در ذهن افراد،آشکار است. تا می‌گویم قلم، دوات به نظر می‌آید. تا ملزم را تصور می‌کند، لازم به ذهن می‌آید.

2. درجه وضوح متوسط است. (بین به معنای اعم).

3. درجه وضوح پایین است. باید با دقت به پیوند آن‌ها پی برد (غیر بین).

جاهایی که لزوم بین است (قسم اول و دوم)، به‌عنوان مدلول لفظی به شمار می‌آورند و دلالت التزامی می‌گویند. چون پیوند قوی است، بین لازم و لفظ ارتباطی برقرار است. این «گویا» است،واقعیت نیست. باز تأکید می‌کنیم که این حقیقت نیست بلکه به مجاز است. دلالت لفظ بر مدلول التزامی، دلالت لفظی نیست بلکه مجاز لفظی است. دلالت لفظی یعنی دلالتی که لفظ بر آن وضع‌شده است و یا لفظ در آن استعمال شده است.

دلالت لفظی التزامی ترکیبی از دو دلالت است. در دلالت التزامی، لفظ دلالت بر معنا می‌کند، دلالت معنا بر لازم، به خاطر مصاحبت‌های عرفی و عقلی است. منتها چون این‌ها به هم پیوند خورده است طبعاً نتیجه‌ی بالا افاده می‌شود.

ما تمام ملاحظات را لفظی نمی‌دانیم، زیرا چیزی که می‌خواهد به لفظ نسبت داده بشود، باید از یک وضوحی برخوردار باشد. اگر وضوح زیادی ندارد، دلالت لفظی به شمار نمی‌آید. این یک شبهه قرارداد است.

# تقسیم‌بندی دیگر در ملازمه

قبل عرض کردیم که در ملازمه چند نوع تقسیم‌بندی وجود دارد: 1. عرفی، 2. عقلی. از سویی گفتیم که گاهی خیلی روشن است و گاهی متوسط است و گاهی روشن نیست. غیرازاین دو تقسیم، تقسیم‌بندی دیگری در ملازمه وجود دارد:

1. گاهی ملازمه، بین مفاهیم مفرد و تصوری است. مثل چتر و باران یا قلم و دوات.

2. گاهی ملازمه بین مفاهیم ترکیبی و تصدیقی است. تصدیقی با تصدیق دیگر تلازمی دارد. یا ترکیبی مستلزم ترکیب دیگری است. مثلاً بعث از مولا، بعث مولای حقیقی، افاده وجوب می‌کند. این یک‌چیز مرکبی است. یا مثلاً حکمی با حکم دیگر تلازم پیدا می‌کند. این نیز دلالت التزامی است. وقتی شفافیت در ترکیب و تصدیق باشد، قطعاً در محدوده ملازمات لفظی قرار می‌گیرد. البته همیشه این‌چنین نیست که ملازمه‌ی لفظی،لزوم عقلی داشته باشد. گاهی عقلی نیست ولی شفاف است.

3. این قسم متصور است و واقع نیز شده است. گاهی ملازمه بین معنا و لازم، یک مرحله‌ای و یک‌درجه‌ای است و گاهی نیز یک معنا وجود دارد، لازم، یک لازم دیگری نیز دارد. بین مفاهیم تصوری و تصدیقی زنجیره‌ای وجود دارد.

معنا، لازم، لازم اللازم، لازم اللازم اللازم و ...

گاهی ملازمه‌ی اول بین به معنای اخص است ولی دومی غیر بین است. گاهی ملازمه‌ی سوم و اول، بین و غیر بین است. پس این قسم،دارای انواع و اقسامی است که قابل‌تصور است. مثلاً چتر، باران،ابر و ...

هنر استعدادهای بزرگ این است که این زنجیره را بیشتر کشف می‌کنند.

## جمع‌بندی

تلازمات، گاهی می‌تواند حجت باشد یا نباشد. بعد این تلازمات را تقسیم‌بندی‌هایی کردیم. گاهی تکوینی و عقلی است. گاهی عقلایی و شرعی است. تقسیم‌بندی دوم این بود که این تلازم گاهی آشکار است گاهی متوسط و گاهی ضعیف است.

تقسیم سوم این بود که تلازم بین مفاهیم مفرد و تصوری و گاهی بین مفاهیم تصدیقی و ترکیبی است. تقسیم چهارم این بود که گاهی این نوع تلازمات یک مرحله‌ای است و گاهی زنجیره‌ای است. تلازم که مبنای حجیت می‌شود، گاهی به شکل حجیت ظهوری لفظی است و گاهی نیز حجیت‌های فرا لفظی است. این قانون عامی در اصول است.